

Winter 2024, 5 (4), 67-77

Received: 5 Oct 2024

DOI: [10.71856/impcs.2024.903663](https://doi.org/10.71856/impcs.2024.903663)

Accepted: 16 Nov 2024

مقاله پژوهشی

## The place of New Generation Processing Systems in Knowledge Management Systems

Edris Abbaszadeh<sup>1</sup>, Mohammadreza Sanaei<sup>2\*</sup>, Reza Ehtesham Rathi<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student, Department of IT Management, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.  
[Edris\\_abbaszadeh@yahoo.com](mailto:Edris_abbaszadeh@yahoo.com)
2. Assistant Professor, Department of IT Management, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.  
*\*Corresponding Author*, [mohamadrezasanaei@gmail.com](mailto:mohamadrezasanaei@gmail.com)
3. Assistant Professor, Department of Industrial Management, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.  
[MRSEN80@gmail.com](mailto:MRSEN80@gmail.com)

### Abstract

**Introduction:** This research examines the set of theoretical foundations related to smart multimedia technologies in knowledge management systems to learn about its role in managing an organization. This research provides an extensive study of scientific literature to understand how intelligent multimedia technologies such as the use of blockchain or the use of intelligent processing and communication systems to optimize new knowledge, develop new organization models.

**Method:** In this research, a bibliometric analysis was performed on a database, including 42 articles published in the last three decades (1990-2022).

**Results:** The results show that the researches published in this field provide valuable concepts about organization models and its performance. These findings show that the use of intelligent processing and communication technologies helps the value creation process in the long term. This research contributes to the existing literature in the field of knowledge management by considering it from the process point of view of smart multimedia technologies and by pointing to the need to implement new knowledge creation and share actions that support global and inclusive growth. This study analyzes the existing literature on KMS, with the aim of investigating the role of KMS in the era of digital transformation, especially in terms of organizational governance. The results showed that tools such as IoT and big data and blockchain can improve the current world economy by increasing the competitiveness of companies, guaranteeing access to big data and processed information through powerful software, developing correlation capacities between useful knowledge in the sector.

**Discussion:** There is still a lot of space to discuss the role of knowledge management systems in the framework of organizational governance and organization models towards innovative technologies, which remains limited. Our findings showed that big data has become a necessity for management, as it enables analysis of user preferences and spending trends and future market forecasting. More precisely, technological transformation and its tools provide a combined strategic solution that guides the operation of organizational governance. In this situation, the knowledge management system plays an important role in ensuring the optimization of technologies and resources, developing knowledge sharing strategies available to company employees, and supporting managers in their decision-making process.

**Keywords:** technological evolution, knowledge management, knowledge sharing, big data, blockchain, Internet of Things



## جایگاه سامانه‌های پردازشی نسل جدید در سیستم‌های مدیریت دانش

دوره پنجم، زمستان ۱۴۰۳

شماره چهارم، صص: ۶۷-۷۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

ادریس عباس‌زاده<sup>۱</sup>، محمدرضا ثنائی<sup>۲</sup>، رضا احتشام‌رانی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، مدیریت فناوری اطلاعات، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. [Edris\\_abbaszadeh@yahoo.com](mailto:Edris_abbaszadeh@yahoo.com)

۲. استادیار، گروه مدیریت فناوری اطلاعات، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

[mohamadrezasanaei@gmail.com](mailto:mohamadrezasanaei@gmail.com)

۳. استادیار، گروه مدیریت صنعتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. [MRSEN80@gmail.com](mailto:MRSEN80@gmail.com)

**چکیده:** این پژوهش مجموعه مسائل مربوط به جایگاه تکنولوژی‌های چندرسانه‌ای هوشمند در سیستم‌های مدیریت دانش را برای آشنایی با نقش آن در مدیریت یک سازمان بررسی می‌نماید. این پژوهش مطالعه گسترده‌ای از ادبیات علمی، برای درک اینکه چگونه تکنولوژی‌های چندرسانه‌ای هوشمند مانند به‌کارگیری بلاک‌چین یا استفاده از سیستم‌های پردازشی و ارتباطی هوشمند جهت بهینه‌سازی دانش جدید، مدل‌های جدید سازمان را توسعه می‌دهد، ارائه می‌کند. در این پژوهش تحلیل کتاب‌سنجی بر روی یک پایگاه داده، شامل ۴۲ مقاله منتشر شده در سه دهه گذشته (۱۹۹۰-۲۰۲۲) انجام پذیرفت. نتایج نشان می‌دهد که تحقیقات منتشر شده در این زمینه، مفاهیم ارزنده‌ای را در مورد مدل‌های سازمان و عملکرد آن ارائه می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که به‌کارگیری تکنولوژی‌های پردازشی و ارتباطی هوشمند در طولانی مدت به فرآیند خلق ارزش کمک می‌کند. این تحقیق به ادبیات موجود در حوزه مدیریت دانش با در نظر گرفتن آن از دیدگاه فرآیندی تکنولوژی‌های چندرسانه‌ای هوشمند و با اشاره به لزوم خلق و پیاده‌سازی دانش جدید و به اشتراک گذاشتن اقداماتی که باعث رشد جهانی و فراگیر پشتیبانی شود، کمک می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت دانش، تکنولوژی‌های هوشمند، کلان‌داده، بلاک‌چین، اینترنت اشیا.

## ۱. مقدمه

نوآوری یک مفهوم چندبعدی است شامل جنبه‌های سازمانی و رویه یک شرکت با هدف بهبود و بهره‌وری تولید یا کاهش هزینه‌های

اتخاذ راه‌حل‌های فناوری برای توسعه فرآیندها و محصولات جدید، موجب رشد ظرفیت نوآوری شرکت‌ها می‌شود و آن‌ها را قادر می‌سازد تا نیازهای بازارهایی که مدام در حال تغییرند را برآورده کنند (گیل گومز، گورولا-ناوارو، اولترا-بادنز، و لوزانو و کوویل، ۲۰۲۰). درحقیقت، تحول دیجیتال، انتشار اطلاعات و روش‌های سودمند را با استفاده از کلان‌داده‌ها و به‌کارگیری راه‌حلهایی مانند بلاک‌چین، تسهیل می‌کند.

استفاده از کلان‌داده‌ها (شورتز ۲۰۱۷)، فراگیری و تبادل دانش بین شرکت و محیط خارجی را ترغیب می‌کند (سوتو، سانترو، برسیانی و دل گایدیس ۲۰۱۷). کلان‌داده‌ها که به عنوان مجموعه بزرگی از داده‌ها در نظر گرفته می‌شود، شامل اطلاعات ناهمگونی است (رپالتی ۲۰۱۹) و شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا محتوای فناورانه بسیاری را برای مدت طولانی جمع‌آوری، کنترل و حفظ کنند (کاندلا ۲۰۰۷). علاوه بر آن، شناختن وضعیت فرایندها و منابع توسط سیستم‌های تحلیلی نوین و پیچیده‌تر و شناسایی میزان روابط متقابل بین اطلاعات پایگاه داده‌ها، مزیت رقابتی برای شرکت ایجاد می‌کند (فراریس، مازولنی، دوال، کاتریر ۲۰۱۹). اخیراً فناوری بلاک‌چین به عنوان یک فناوری نوین توجهات را به خود جلب کرده و اشاعه یافته است. مزایای بالقوه آن باعث شده است تا سازمان‌ها تصمیم بگیرند که این فناوری را اتخاذ کنند. اجماع توزیعی، اطلاعات ایمن، قابلیت ردیابی تأیید شده و شفاف، ویژگی‌های مهم به-کارگیری بلاک‌چین هستند (کراسبی و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین نوآوری یک مسئله حاکمیتی شکل گرفته است که بر مدل سازمان تأثیر می‌گذارد و کارآفرینان را ترغیب می‌کند تا راهبردهای ابتکاری مناسب با رویدادهای احتمالی بازار جهانی لیبرال ایجاد کنند (گری و کوالو ۲۰۲۱). شرکت‌ها آگاهی معینی از پیامدهای خارجی درباره فرایندهای تولید و مصرف ایجاد کرده‌اند و تلاش می‌کنند تا مدل‌های مدیریتی خود را تغییر دهند تا تأثیرات منفی فعالیت‌های تجاری را بدون کاهش سود، محدود کنند (کامبل، گاتاسکارا ۲۰۲۰). در این زمینه، باید برای تکنیک‌هایی که با حمایت از ایجاد سیستم‌های ترکیبی و به اشتراک گذاشته شده، مرکزیت دانش و سیستم‌های مدیریت دانش و عملکرد سازمان را بهبود می‌بخشند، فضا فراهم شود (ابوبکر، الرهیل، الاتیلات) والسی، ۲۰۲۰؛ دل گادیس و دلا پروتا، ۲۰۱۶؛ سانتورو، فراری، و بریسنچی، ۲۰۲۲).

تولید (شومپتیر، ۲۰۰۰). پذیرش نوآوری، تمایل شرکت به تغییر را، از طریق یک رویکرد، با هدف به‌دست‌آوردن یک مزیت رقابتی با بهره‌برداری از ایده‌ها و فناوری‌های جدید، اندازه‌گیری می‌کند (هریسون، ۲۰۰۸).

پیشرفته‌ترین KMS مبتنی بر ادغام کلان‌داده‌ها در استراتژی-های شرکتی، بهبود کیفیت انتخاب‌های مدیران از طریق "توان پیش‌بینی" فرایندهای تجزیه و تحلیل، بر پایه ارتباط داده‌هاست (انتظاری و گرسل، ۲۰۱۷). به این ترتیب، شرکت‌ها قادرند تا رفتار خود را به سمت مدل‌های سازمانی نوآورانه و پایدار سوق دهند (انتظاری و گرسل، ۲۰۱۷؛ گزمن، کولومو-پالاسیوس، و استنتچیو، ۲۰۱۶؛ سوتو-آکوستا، دل-گیودیس، و اسکوتو، ۲۰۱۸). درجه مسئولیت اجتماعی را افزایش دهند و امتیاز معتبری را با گروه‌های ذی‌نفع به‌دست‌آورند (کارایانیس، گریگورودیس، دل گیودیس، دلا پروتا، و سینداکیس، ۲۰۱۷؛ ناگی، آل‌آه، اردی، مت‌ای، و پوپ، ۲۰۱۸؛ راوت و همکاران، ۲۰۱۹).

بنابراین، با در نظر گرفتن اینکه دانش یک منبع حیاتی برای سازمان‌ها است (فردریچ، بکر، کرامر، ویرث، و اشنایدر، ۲۰۲۰؛ اودن و هی، ۲۰۱۷)، درک این موضوع جالب است که چگونه KMS، با ترغیب تکنولوژی‌های نوآورانه، می‌تواند فرایند ایجاد ارزش در طولانی مدت را تسریع نماید، و استراتژی سازمانی را به سمت مدل‌های جدید و نوآورانه سازمان رهنمون سازد. تکنولوژی‌های نوآورانه مانند بلاک‌چین پتانسیل تحول عظیم در پایداری KMS‌ها را دارند. استفاده از این فناوری در برخی شرکت‌های بزرگ در سراسر جهان نشان می‌دهد که آن‌ها با استفاده از آن به دنبال ردیابی دانش‌های تولید شده خود هستند.

این مطالعه با استفاده از یک بازبینی اصولی در مقالات، به شناسایی مسیرهای جدید در مقالات پیرامون KMS، شناسایی ایده‌ها برای تحقیقات بعدی، از طریق یک فرایند سخت و تکرارپذیر کمک می‌کند (ماسارو، دومای، و گاتری، ۲۰۱۶). همچنین از طریق تجزیه و تحلیل تاریخچه مطالعاتی، این مطالعه با هدف بررسی نحوه انتشار دانش می‌تواند بر فرایند تحول تکنولوژی‌های نوآورانه تأثیر بگذارد (توماس و چوپرا، ۲۰۲۰)، و نشان می‌دهد که دسترسی به اطلاعات بیشتر می‌تواند برنامه ریزی سرمایه‌گذاری و ارزیابی هزینه را، به شرط تأثیر مثبت بر بازده تحت تأثیر قرار دهد (گونجال، ۲۰۱۹).

به‌علاوه، هدف این است که بدانیم چگونه مطالعات قبلی از رویکرد KMS به نوآوری استراتژیک و اجرای مدل‌های نوین سازمان توسعه داده شدند (هاک-دوپگن، کلاوس، کراوس، و چنگ، ۲۰۲۰)، و این امر نقش هدایتگر KMS را در اجرا و حاکمیت شرکت‌ها

نشان می‌دهد (مارولی، ۲۰۱۹؛ پاولین و وانگ، ۲۰۱۷). در این راستا و به منظور حمایت از تصمیم‌های استراتژیک مؤثرتر، باید به گونه‌ای سازماندهی شود که شامل کلان‌داده‌ها باشد. بنابراین، سوالات تحقیق ما عبارتند از:

- چگونه موضوع تکنولوژی‌های نوآورانه توسط محققان مدیریت دانش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند؟
  - پژوهشگران در این زمینه، به‌خصوص در چارچوب حاکمیت سازمانی، چه رویکرد اصلی را اتخاذ می‌کنند؟
- بنابراین، مقاله یک چارچوب نظری از مدیریت دانش پیشنهاد می‌دهد، و نتایج به‌دست‌آمده از بازبینی ۴۲ مقاله مرتبط را شناسایی و تجزیه و تحلیل می‌نماید. همان‌طور که در بالا ذکر شد، برجسته‌ترین چالش برای محققان دانشگاهی و استراتژیست‌ها (راهبردها) افزایش دانش و پیوند بین تکنولوژی‌های نوآورانه و مدیریت دانش است. از این رو، تجزیه و تحلیل پیوندها و ارتباطات در زمینه‌های علمی می‌تواند سهم قابل توجهی در علوم مدیریت داشته باشد. باین‌حال، دو مسئله مهم نظری در این زمینه وجود دارد:
۱. نتیجه مدیریت دانش لزوماً تأثیر فرایندهای مرتبط با تکنولوژی‌های نوآورانه را در نظر نمی‌گیرد؛
  ۲. به‌نظر می‌رسد گرایش‌های مرتبط با چارچوب‌های حاکمیتی که در بالا ذکر شد، تأثیر تحول فناوری بر KM را نادیده می‌گیرند.

## ۲. زمینه نظری برای مدیریت دانش در تکنولوژی‌های نوآورانه

دسترسی به اطلاعات و مدیریت دانش، فرایند نوآوری شرکت را به سمت مزیت رقابت بیشتر سوق می‌دهد (آدامز و لامونت، ۲۰۰۳؛ کاردینال، آلساندری، و ترنز، ۲۰۰۱؛ داروش و مک ناتون، ۲۰۰۲؛ دیاس و برشانی، ۲۰۰۶؛ مائو، لیو، زانگ، و دنگ، ۲۰۱۶؛ پیکا، ۲۰۰۲). درحقیقت، همراه با پیشرفت سریع نوآوری، شرکت‌ها مجبور به استفاده از یک شبکه مشترک (نجفی-توانی، ناودئه، اوغازی و زینالو، ۲۰۱۸) در داخل و خارج سازمان می‌شوند، که در به اشتراک‌گذاری دانش برای نوآوری سودمند است (کاووسگیل، کالانتون، و ژائو، ۲۰۰۳).

طبق نظریه نوآوری باز (باسکاووش اوغلو - مورو، و سالتز، ۲۰۱۸) رویکرد شناختی کل‌نگر باید به شرکت امکان بهره‌برداری دانش داخلی مؤثر را بدهد و دانش خارجی مربوط به محیط پویا را جذب کند (دل گیودیس و مگیونی، ۲۰۱۴؛ فراریس، سانتورو، و دزی، ۲۰۱۷؛ سانتورو، ورونیتیس، تراسو، و دزی، ۲۰۱۸). از سوی

دیگر، نوآوری ابزاری تعریف شده است که دانش موجود را با روش‌های نوین مجدد ترکیب می‌کند (دو پلسیس، ۲۰۰۷، ص ۲۴)، و محدودیت‌ها و پتانسیل زیرلایه شناختی سازمان را برای تشویق به توسعه و نوآوری‌های پایدار برجسته می‌سازد.

مدیریت دانش اجازه می‌دهد تا استفاده از منابع ملموس به حداکثر برسد (گرانث، ۱۹۹۸)، زیرا هدف آن بهره‌برداری از داده‌ها برای افزایش عملکرد و بهبود مدیریت فرایندها است (برشانی، ۲۰۱۵). در نتیجه، ایجاد یک رویکرد شناختی قوی که بتواند بهره‌برداری و حفاظت از اطلاعات را تضمین نماید، می‌تواند از فرایندهای نوآوری سازمانی از طریق زیرساخت‌های هوشمند و تکنیک‌های مشترک براساس تعامل حمایت‌کننده (سانتورو و همکاران، ۲۰۲۰). از این رو، مدیریت دانش عملکرد شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا منجر به بهبود در نوآوری می‌گردد و در نتیجه رقابت را افزایش می‌دهد (لوپز، آندریوا، و کیانتو، ۲۰۱۵؛ مارتین دکاسترو، کوستا و مونتیرو، ۲۰۱۶؛ زاگ، مک کین، و سینگ، ۲۰۱۹).

طبقه‌بندی دانش جمع‌آوری شده توسط شرکت (لی، چویی، و لی، ۲۰۲۰)، حامی بهره‌برداری از اطلاعات موجود به عنوان محرکی برای نوآوری، به منظور ترکیب آن با دانش نوین است که از طریق عملکرد این نوآوری به‌دست می‌آید (فراریس و همکاران، ۲۰۱۷). این امر نقش مدیریت دانش را نه تنها از نظر بازده فرایندهای تخصیص دانش داخلی و خارجی به سازمان، بلکه در بهره‌برداری از پتانسیل نوآورانه شرکت در چندین سطح برجسته می‌سازد (شجاعت و همکاران، ۲۰۱۹). این امر بر مدل درآمدی سازمانی شرکت به نفع عاملان شرکت و هماهنگی استراتژی‌ها و توانایی‌ها تأثیر می‌گذارد.

تکنولوژیکی و عملکرد سازمان، نشریات مدیریت دانش، نشریات سرمایه فکری، و پیش‌بینی تکنولوژیکی و تغییر اجتماعی‌اند (اوکلی و شابرمان، ۲۰۱۰).

بر این مبنا، پژوهش در دو مرحله توسعه‌یافت. مرحله اول شناسایی، استخراج و مطالعه مقالات منحصربه‌فرد مطابق با اهداف تحقیق، مرحله دوم مطالعه کتاب‌سنجی و توسعه مقالات.

در مرحله اول، به منظور تضمین یک روش‌شناسی قوی، لازم بود که مراحل زیر اجرا شود: (۱) استخراج مقالات؛ (۲) تأیید تناسب با RQ ها؛ (۳) ادغام دستی مجموعه مقالات و (۴) پایگاه داده پردازش‌یافته‌های نهایی. (شکل ۱)

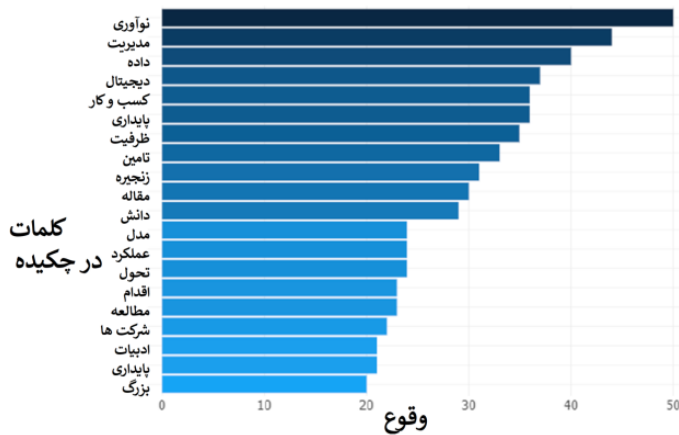
قسمت اول پژوهش، پژوهش‌های علمی جمع‌آوری شده را توسط Web of Science و گوگل اسکولار برای شناسایی و قاعده‌سازی گرایش‌های اصلی تحقیقات علمی مورد مطالعه کردیم.



شکل ۱: خلاصه تحقیق روش شناسی

این پژوهش با استفاده از یک روش‌شناسی کیفی براساس بررسی محتوای مقالات انجام شده بر پایه مدیریت دانش، تکنولوژی‌های نوآورانه، و تأثیر بر فرایندهای تحول صورت گرفته است. با پیروی از یک سری مراحل برای یک تحقیق شاخص (فینک، ۲۰۱۰)، تمام پژوهش‌هایی که پایگاه داده ما را تشکیل می‌دهند با انجام تجزیه و تحلیل محتوا جمع‌آوری نمودیم تا نتایج جمع‌آوری شده را به روش قابل تکرار قاعده‌مند سازد (کریپندورف، ۱۹۸۰). به‌ویژه، از پایگاه ISI Web of Science استفاده کردیم که امکان مطالعه چندین پایگاه داده را فراهم می‌آورد و دسترسی به داده‌ها را در دامنه وسیعی از رشته‌های علمی تضمین می‌کند. همچنین، پایگاه داده از یک فرایند جمع‌آوری دستی توسط گوگل اسکولار غنی شده است، طوری که از هیچ قسمت اساسی در تجزیه و تحلیل ما غفلت نشود (ماسارو و همکاران، ۲۰۱۸). به بیان دقیق‌تر، سایر مقالات حاوی مستندات سازگار با موضوع، از نشریاتی با رتبه بالای بین‌المللی انتخاب شده‌اند (راشمن، و هارتلی، ۲۰۱۹). نشریاتی که انتخابی به‌دلیل توجه به موضوعات مدیریت دانش، نوآوری، تحول

مرتبط ترین کلمات



شکل ۲: ۲۲ کلمه برتر در چکیده

به منظور جمع‌آوری تمام نشریات توسعه‌یافته مربوط به موضوع بررسی شده، هیچ محدودیت زمانی اعمال نشده است. بنابراین، تمام مقالات علمی پیرامون این موضوعات را از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ جمع‌آوری نمودیم (نتایج تنظیمات پیش فرض Web of Science: جدول ۱).

جهت شناسایی مقالات مرتبط با پژوهش خود، واژه‌های ناقص را ترکیب کردیم. به‌ویژه، از مجموعه‌های زیر استفاده کردیم:

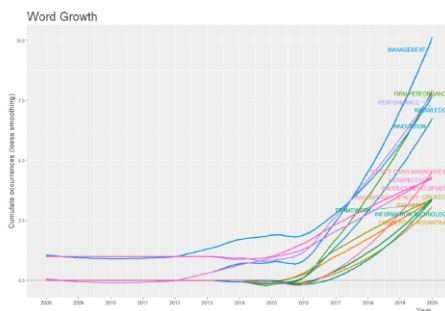
- مجموعه ۱: مدیریت دانش و نوآوری؛
- مجموعه ۲: مدیریت دانش و تکنولوژی‌های نوآورانه یا کلان داده یا بلاک‌چین یا اینترنت اشیاء؛
- مجموعه ۳: مدیریت دانش و روندها؛

#### ۴. یافته‌ها

جایگاه بررسی مطالعات پیشین، مفاهیم و طبقه‌بندی طبق موضوع، ابعاد اصلی این تجزیه و تحلیل کیفی است.

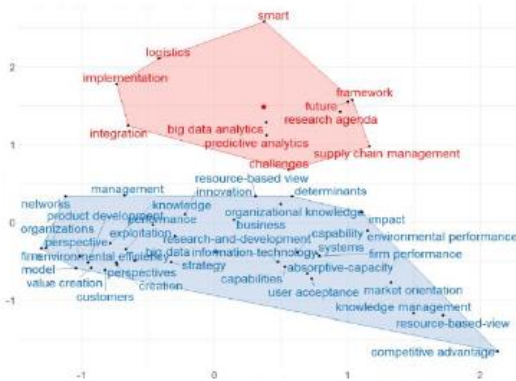
##### ۴.۱. جایگاه بررسی مطالعات پیشین

مشارکت‌های شناسایی شده در نرم‌افزار علم‌سنجی Bibliometrix، جهت پردازش اطلاعات تعاملی و توصیفی، جمع‌بندی تحقیقات، برجسته‌سازی ابعاد یافته‌ها در زمان و مکان، تجزیه و تحلیل شدند. آزمایش کتاب‌سنجی امکان بازبینی‌های "شفاف" و "قابل تکرار" را فراهم می‌آورد (آریا و کوکولولو، ۲۰۱۷، ص ۹۵۹) و نتایج مطمئن-تری را در جمع‌آوری اسناد و اخبار علمی، بدون خطر نادیده‌گرفتن مناسب‌ترین مشارکت‌ها، صرفنظر از تاریخ انتشار ارائه می‌دهد.



شکل ۳: روند تولیدات علمی

تجزیه و تحلیل مطالعات پیشین امکان بازسازی شبکه ارتباط بین اسناد، اندازه‌گیری تأثیر هر مشارکت در زمینه پژوهش را با آغاز تجزیه و تحلیل لغات کلیدی می‌دهد (الگارد و والین، ۲۰۱۵).



در ابتدا، مقالات حاوی "۲۲ کلمات برتر چکیده" بررسی شدند (شکل ۲). این امر به لغاتی که اغلب در چکیده‌های مقالات منتخب واقع شوند این امکان را می‌دهد تا برجسته‌گردند. جالب است که مشاهده می‌کنیم کلمه "نوآوری" دارای بالاترین شاخص وقوع است؛ ۵۰ مرتبه در پایگاه داده تکرار می‌شود. "نوآوری" به صورت

مجموعه ۴: مدیریت دانش و مدل سازمان ؛

مجموعه ۵: مدیریت دانش و عملکرد پایدار؛

مجموعه ۶: مدیریت دانش و عملکرد سازمان.

فرایند استخراج مقالات با ترکیبی از سه واژه انجام شد که امکان روابط میان مقالات از چندین گروه تحقیقاتی فراهم گردید و تعداد قابل توجهی از تحقیقات صورت گرفته درباره موضوع شناسایی شد.

در این مرحله، جستجو جهت تحقیق پیرامون مدیریت دانش از دیدگاه نوآوری و تکنولوژی‌های نوآورانه، حاوی کلان‌داده‌ها و اینترنت اشیا و بلاک‌چین توسعه یافت. همچنین دربرگیرنده عملکرد سازمان و عملکرد پایدار می‌باشد. درحقیقت، مدیریت دانش زیرلایه پژوهش علمی ما است، که شعبه‌هایی از آن در حوزه نوآوری و تأثیرات آن بر عملکرد پدیدآمده است.

در مرحله دوم، به منظور یافتن مناسب‌ترین پژوهش‌ها، هر مقاله با بررسی لغات کلیدی و چکیده مطالعه شد تا تعیین گردد آیا در راستای اهداف پژوهش ما بوده است یا خیر. تمام محققین همکار فعالانه در این قسمت مشارکت داشتند و منظم و مستقل کار کردند، هر مقاله را تجزیه و تحلیل کردند و نکات کلیدی اهداف پژوهش را برجسته‌ساختند. نتایج در ادامه مقایسه شد. مطالعه تک‌تک اسناد و مقایسه نتایج گام اساسی در این نوع روش‌شناسی است، زیرا استحکام نتایج تجزیه و تحلیل را تضمین می‌نماید. تمام لغات کلیدی تأیید شدند تا اطمینان حاصل شود که در راستای اهداف تحقیق ما هستند. آنگاه، چکیده هر مقاله دقیق و کامل خوانده شد تا ارتباط آن با زمینه مدیریت دانش، نوآوری، یا کلان‌داده‌ها و بلاک-چین تضمین گردد و وابستگی آن را با موضوعات ارزیابی شده از نظر فرایندها و عملکرد برجسته‌سازد.

در مرحله سوم، با وجود محدودیت‌هایی در Web of Science جهت شناسایی تمام مقالات علمی مهم برای پژوهش خود، یک جستجوی دستی گوگل صورت پذیرفت. شرایط یکسان را به-کاربردیم. در آخرین مرحله، هر نویسنده همکار در این پژوهش مستقل فعالیت می‌کند. به‌ویژه، نویسندگان با دقت، هر مقاله را تجزیه و تحلیل نمودند تا موضوعات بسیار مهم مطلوب را برای پژوهش ما برجسته‌سازند. هر مقاله ناسازگار با پژوهش و هر نسخه تکراری از پایگاه داده حذف گردید. در آخر، نویسندگان نتایج خود را با توسعه بخش‌هایی از مرور ادبیات مقایسه کردند. فهرست نهایی به‌کاررفته برای تجزیه و تحلیل ما از ۴۲ مشارکت تشکیل شده است. قسمت ۴.۱. شامل تجزیه و تحلیل از مقالات منتخب است.

“مدیریت”، “داده”، “دیجیتال” و “سازمان” است، که دارای تعداد مساوی حضور در چکیده‌ها می‌باشد. این دنباله کلمات به‌ویژه درباره موضوع تحقیق حاضر قابل توجه است، زیرا رابطه نزدیک بین موضوعات بررسی شده، به‌ویژه تأثیر نوآوری در فرایندهای مدیریت دانش و تأثیرات آن بر مدل‌های سازمان را تأیید می‌نماید (گیل-گومز و همکاران، ۲۰۲۰؛ هاک-دوپگن و همکاران، ۲۰۲۰؛ دل گیودیس، گارسیا-پرز، اسکوتو و اورلاندو، ۲۰۱۹؛ آ؛ دل گیودیس، اسکوتو، گارسیا-پرز و پتروزلی، ۲۰۱۹؛ ب؛ گوپتا و بوز، ۲۰۱۹؛ هئوسیک و اندرس، ۲۰۱۹؛ کمبل و همکاران، ۲۰۲۰؛ راوت و همکاران، ۲۰۱۹؛ سانتورو و همکاران، ۲۰۱۹؛ لوکشینا و لانتینگ، ۲۰۱۹؛ اسکوتو، دل گیودیس، تاربا، پتروزلی، و چنگ، ۲۰۱۹؛ آ؛ بوگرز، چسبرو و مونداس، ۲۰۱۸؛ نیلسن، ۲۰۱۸؛ برشانی، فراریس، و دل گیودیس، ۲۰۱۸؛ لین، و لو، ۲۰۱۸؛ پاپاس، میکالف، جیاناکوس، کروگستی، و لکاکوس، ۲۰۱۸؛ کارایانیس و همکاران، ۲۰۱۷؛ سیل، ۲۰۱۷؛ شیا، یو، گائو و چنگ، ۲۰۱۷؛ دل گیودیس و دلا پروتا، ۲۰۱۶؛ پارمنتیر و مانگماتین، ۲۰۱۴). متعاقباً، کلمات “دانش”، “مدل”، “عملکرد” و “تحول” در بیشتر مقالات آمده-اند (شکل ۲).

مطابق با آریا و کورولو (۲۰۱۷)، این تجزیه و تحلیل امکان ایجاد یک نمایش گرافیکی از شبکه روابط بین مفاهیم را می‌دهد، و از لغات کلیدی آغاز می‌گردد. شکل ۳ دو ساختار عینی را برجسته می‌سازد که در آن می‌توان تراکم مفاهیم را مشاهده نمود. به‌طور خاص، ما دو گروه را با استفاده از دو رنگ متفاوت متمایز می‌کنیم. قسمت قرمز نماد چارچوب چالش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کلان، و قسمت آبی برای ابعادی از دانش است که به شاخه‌های مدیریت، سازمان، استراتژی و عملکرد تقسیم می‌گردد. نمایش‌های گرافیکی، ساختار سلسله‌مراتبی هستند که روابط متقابل بین مفاهیم را اساساً با تسهیل درک قابل توجه ساختارهای شناختی بیان می‌کنند. نیروی شناختی این نقشه مفهومی برای دستیابی به زیرلایه مفهومی موضوعات و درک نحوه ارتباط و وابستگی آن‌ها سودمند است (لیو، ۲۰۰۴). با تجزیه و تحلیل این طرح مفهومی، مشاهده می‌کنیم که کلمات مرتبط با “دانش”، “نوآوری”، “عملکرد”، “استراتژی”، “کلان‌داده‌ها”، “بلاک‌چین”، “فناوری اطلاعات”، “ایجاد ارزش”، “عملکرد محیطی”، “دانش سازمانی”، “بازده”، “سازمان” و “مدل” عمدتاً در هسته آبی متمرکز شده‌اند.

در غیر این صورت، موضوعات تجزیه و تحلیل کلان‌داده‌ها، که مربوط به کلمات “ادغام”، “اجرا”، “مدیریت زنجیره تأمین”،

“چالش‌ها”، “چارچوب”، “آینده” و “دستور کار پژوهش” هستند، در قسمت قرمز قرار داشتند.

طبق شکل ۴ و با توجه به دوره زمانی این پژوهش (۱۹۹۰-۲۰۲۲)، افزایش علاقه محققان به این موضوع را مشاهده می‌کنیم. تجزیه و تحلیل پویایی تکراری‌ترین لغات در مجموعه داده‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌ها در زمینه عملکرد مدیریت و شرکت به موازات پیشرفت دانش و نوآوری افزایش یافته‌اند و علاقه به آن بین سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۲ به اوج رسیده است. این موضوع برای تجزیه و تحلیل ما بسیار حائز اهمیت است، زیرا گواهی بر نوآوری است.

#### ۴-۲: محتوای مقالات انتخاب شده

با توجه به مراحل گوناگون انجام شده در این تحقیق در مورد ۴۲ مقاله، تجزیه و تحلیل متن‌سنجی یافته‌های زیر را فراهم ساخت. جدول ۱ (ضمیمه را مشاهده کنید) شامل توصیف مشخصات پایگاه داده‌ها با استفاده از دسته‌های زیر است: ۱. سال، ۲. نویسنده، ۳. مقاله، ۴. نوع مقاله، ۵. موضوع فرعی، ۶. روش کار.

اکثر پژوهش‌ها نشان می‌دهند که محدوده نوآورانه مدیریت سازمان نیاز به گرایش شرکت‌ها به پذیرا بودن نسبت به سیستم‌های تغییر محصولات و خدمات و مکانیسم‌هایی برای اجرا و به اشتراک-گذاری دانش داخلی و خارجی دارد (باقرزاده، مارکویک، چنگ وانهاوریک، ۲۰۱۹، باگرز، ۲۰۱۸؛ پارمشیر و مانگمتین، ۲۰۱۴). همچنین مطابقت با فرایندهای تکنولوژی‌های نوآورانه نیاز به ظرفیت پویایی شرکت‌ها برای بازآفرینی و تحول منابع دارد (لایچیینی، ۲۰۲۰)، تا بتوانند همانند سازمان‌های دوسو توان، مدیریت فن‌آوری در زمینه راهبردهای تصمیم‌گیری را با هدف کسب مزیت‌های رقابتی را جذب کنند (آمیراتو، سوفو، فلیچتی و راسو، ۲۰۱۹؛ برسیانی، ۲۰۱۸؛ کانلچنر، مولر و گورتل، ۲۰۱۸، سورو، آریگو، کاندلو و نیکوتر، ۲۰۱۹، وارنر و واگنر، ۲۰۱۹). از دیدگاه عملی، به این معنی است که تبادل با گروه‌های کاربر، انتشار و تبادل دوطرفه دانش را با شکستن الگوهای قدیمی و اجرای پلتفرم‌های فناورانه بدون ازدست‌دادن کنترل فرایندها تسهیل می‌کند (گیل گومز، ۲۰۲۰، رانداوا، جاسراند، شوایتزر و لوگ، ۲۰۱۷). ترانتوپولوس، ون کرو و ورتز (۲۰۱۷) رفتار چند شرکت تولیدی در سوئیس را مدت ۹ سال مشاهده کردند و دریافتند که عملکرد فرآیند نوآوری تحت تأثیر مثبت استفاده از فن‌آوری‌های اطلاعاتی جدید (یعنی IoT) است، که دسترسی به پایگاه داده‌های بسیاری را ترغیب می‌کند تا اطلاعات بسیار زیادی استخراج کنند و موجب بهبود قابل-توجهی در سود می‌شوند (دای، وانگ، زو، وان و ایمران، ۲۰۱۹). این موضوع نشان می‌دهد که شرکت‌ها باید با هدف اجرای IoT،

راهبردهای سرمایه‌گذاری را اجرا کنند تا نیازهای جدید بازار بر اساس فناوری‌های جدید ایجاد شده را برطرف سازند و تبادل اطلاعات با دنیای خارجی در لحظه را ترویج دهند (برسیانی ۲۰۱۸؛ کامل ۲۰۲۰). این داده‌ها اگر وارد سیستم تجزیه و تحلیل کلان-داده‌های پویا شوند ارزشمند خواهند بود، زیرا پردازش شده و مزیت رقابتی ایجاد می‌کنند (گارایانسیس ۲۰۱۷، نگی ۲۰۱۸، رات ۲۰۱۹). این داده‌ها از ترکیبی از منابع نشأت می‌گیرند، بنابراین نیاز به روش‌های تجزیه و تحلیل نوین و جدید توسط فن‌آوری‌های اطلاعاتی دارند. علاوه بر آن، استفاده از کلان‌داده‌ها توسط مشارکت سهامداران، مدیریت فرایندهای سازمان را حفظ می‌کند (گوپتا و سوس ۲۰۱۹) و همچنین دستیابی به اهداف پایداری را توسط افزایش مسئولیت اجتماعی شرکت تشویق می‌کند (باگرز ۲۰۱۸، هاسینگ و اندرز ۲۰۱۹، پاپاس ۲۰۱۸، راوت ۲۰۱۹، سیل ۲۰۱۷، زیبا ۲۰۱۷). هنگام انتخاب قابلیت‌های فن‌آوری، شرکت‌ها می‌توانند شاخص‌ها و ویژگی‌های توسعه پایدار هر محصول را ارزیابی کنند تا برای به‌دست‌آوردن عملکرد پایدارتر تصمیم‌گیرند (زیبا ۲۰۱۷). همچنین آن‌ها می‌توانند از سیستم‌ها برای سنجش کارایی خروجی‌های تولید شده توسط منابع پایدار استفاده کنند و هرگونه نتایج نامطلوب را تصحیح کنند تا سیستم‌های مدیریت و کنترل را با مدل‌های سازمان هوشمند و پایدار هماهنگ سازند (لین ۲۰۱۸). این موضوع تأثیر قابل توجهی بر عملکرد دارد (هاسینگ و اندرز ۲۰۱۹، پاپاس ۲۰۱۸، راوت ۲۰۱۹)، زیرا IoT کل نگر و آینده‌نگری سطح دانش را افزایش می‌دهد (رادریگز، الیزوندو - مدرنو، هراس - گانزالو گنتیلی ۲۰۲۰) و شرکت را قادر می‌سازد تا جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی، نوآوری مدل‌های سازمان را ارزیابی کنند که به بهترین نحو نیازهای بازار را برطرف می‌سازند (برنر ۲۰۱۸، گری و کاوالو ۲۰۲۰). بخشی مهم، مهارت پیش‌بینی الگوریتم‌هایی است که سیستم‌های IoT را تنظیم می‌کنند که این سیستم‌ها پایداری گزینه‌های انتخابی را به منظور جلوگیری از مشکلات و آسیب‌های احتمالی آینده بررسی می‌کنند (آمیروتو ۲۰۱۹، فراریز ۲۰۱۹، سیل ۲۰۱۷). در تمام سیستم‌های پردازش اطلاعات، شناسایی حملات سایبری یک چالش اصلی محسوب می‌شود (مخصوصاً در IOT (محمد نظریور، نویدنظافتی و سجادشکوهیار ۲۰۲۳). مسئله این است که توسعه واقعی این سرویس‌ها به سطوح ارتقاء یافته امنیت و حفظ محرمانگی نیاز دارد (محمدجوادزند، محمدتحقیقی ۲۰۲۰).

علاوه بر آن، استفاده از کلان‌داده‌ها می‌تواند توزیع مهارت‌های جدید در زمینه سازمان را با ترکیب سود اقتصادی و رفاه اجتماعی

تسهیل کند (پاپاس ۲۰۱۸، ساوستانو، امندولا، بلینی و دی آسترو ۲۰۱۹). همچنین ال کاسار و سینگ (۲۰۱۹) در مورد نوآوری سبز به عنوان تسهیلگر تکنیک‌های سودمند با استفاده از منابع مشهود و نامشهود برای شرکت و محیط خارجی صحبت کرده‌اند (کامل ۲۰۲۰، روت برگ و اریکسون ۲۰۱۷).

در این موقعیت، مدیران از ابزارهای تجزیه و تحلیل کلان‌داده‌ها برای پشتیبانی از راهبردهای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند (ریاتی ۲۰۱۹) که ماهیت نوآوری را با تحقق ارزش بلندمدت آن ترکیب می‌کند (سینگ و ال کاسار ۲۰۱۹). تکنولوژی‌های نوآورانه به معنی تعامل بین IoT، ابزارها و مردم به منظور انتشار اطلاعات و تبادل دانش است که دانش را به عنوان اولین عامل سودبخشی به‌خصوص در حوزه تکنولوژی‌های نوآورانه در نظر می‌گیرد (پاولین و وانگ ۲۰۱۷). با تعهد شرکت نسبت به استفاده از فن‌آوری‌هایی که قادر به بهبود سطح دانش شرکت و پایداری عملکرد توسط دوره‌های آموزشی مناسب برای نیروی کار هستند، از نوآوری حمایت می‌شود (سینگ و ال کاسار ۲۰۱۹). به این دلیل، ایجاد سیستم‌های بهتر برای تبادل و به اشتراک‌گذاری راهبردی اطلاعات به منظور کاهش خطر انتشار یا سوءاستفاده از دانش، حائز اهمیت است (ایلون، تالمان، مانبارت و سیلابر ۲۰۱۸). این راهبردها در یک مدل سازمان فناورانه به هم می‌پیوندند که در آن منطق اصلی سازمان به‌طرز سنجیده‌ای ویژگی‌های فناورانه را شناسایی می‌کند و به‌خوبی از آن هم در تعامل با مشتریان و شریکان سازمان و هم در کارکرد داخلی بهره‌مند می‌شود (بارتمانگر و اوتو ۲۰۱۵). ابتکارات فناورانه، میزان یادگیری درون شرکت را افزایش می‌دهد که این موضوع سودمند بودن آن را در مقایسه با دیگر رقیبان افزایش می‌دهد (گوپتا و بوس ۲۰۱۹). تکنولوژی‌های نوآورانه فرایندهای اجرا و تجدید دانش شرکتی را ترغیب می‌کند (عرفی و هیگروو ۲۰۱۹)، به کمک تشویق برای سرمایه اجتماعی داخلی که به عنوان شبکه‌ای از ارتباطات بین واحدهای داخلی شرکت و سرمایه اجتماعی خارجی در نظر گرفته می‌شود، هدف از مورد دوم ایجاد شبکه تبادل بین واحدهای خارجی است (دل گادیس، ماگیونی، جیمنز، مارتینز کاستا و سانز وال ۲۰۱۴). بنابراین یک سیستم مدیریت سازمان خوب باید روند پیوسته یادگیری و پروتکل به‌اشتراک‌گذاری را رواج دهد (کاریانسیس ۲۰۱۷، دل گایدیس و دلا پروتا ۲۰۱۶)، که در آن تکنولوژی‌های نوآورانه، IoT و سیستم‌های کلان‌داده ابزارهای راهبردی شرکت و مبتنی بر شرکت‌اند (دل گایدیس ۲۰۱۹). یک سیستم یادگیری راهبردی مناسب، نیروی کار اقتصادی را بر اساس دانش و مهارت و برای پشتیبانی از اهداف برنامه‌ریزی شده در به



اشتراک‌گذاری راهبردی و عملیاتی سامان می‌دهد. از این نظر، نوآوری تبدیل به محرکی برای حاکمیت شرکتی می‌شود (بین و شنگ (۲۰۱۹))، و به عنوان تسهیل‌گر در برنامه‌ریزی، مدیریت و دستور راهبردی فرایندها و سرمایه‌گذاری‌های شرکت در جهت مدل‌های سازمان نوآورانه عمل می‌کند (گوپتا و بوس ۲۰۱۹).

## ۵: بحث و بررسی

تجزیه و تحلیل متن‌سنجی نشان می‌دهد که تکنولوژی‌های نوآورانه شامل فرایندهای سازمان است که بر طرح راهبردی شرکت‌هایی تأثیر می‌گذارد که از فن‌آوری‌های اطلاعاتی جدید برای هدایت مدل سازمان به‌خصوص از جهت پایداری استفاده می‌کنند (باگرز ۲۰۱۸، کارانیس ۲۰۱۷، گری و کاوالو ۲۰۲۰، گوپتا و بوس ۲۰۱۹، هسینگ و اندرز ۲۰۱۹، لین ۲۰۱۸، نگی ۲۰۱۸، پاپاس ۲۰۱۸، راوت ۲۰۱۹، سیل ۲۰۱۷، زیبا ۲۰۱۷). اصولاً نوآوری استفاده از دانش را امکان‌پذیر می‌سازد. اجرای سیستم مدیریت دانش دسترسی به اطلاعات بیشتر را فراهم می‌سازد (گانجال ۲۰۱۹)؛ بر برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری‌ها تأثیر می‌گذارد؛ هزینه‌ها را ارزیابی می‌کند و تأثیرات مثبتی بر نتایج دارد. سیستم‌های مدیریت دانش نقش رهبری را در اجرا و حاکمیت کلان‌داده ایفای می‌کنند (پالوین و وانگ ۲۰۱۷). بنابراین در نظر گرفتن کلان‌داده‌ها برای تسهیل حاکمیت شرکتی و پشتیبانی از تصمیمات راهبردی مؤثرتر مورد نیاز است (ایننتظاری و گرسل ۲۰۱۷، اولیو ۲۰۱۶، سوتو آکوستا ۲۰۱۸). میزان انتقال، به اشتراک‌گذاری و استخراج دانش، نیاز به همکاری همه حوزه‌های شرکت جهت اجرای فرایندهای یادگیری بین سازمانی و مشارکتی دارد، که اطلاعات بسیاری را استخراج می‌کنند. به‌ویژه ابزارهای IoT که شامل میزان زیادی از داده‌ها هستند و شیوه‌های شناسایی دانش قابل‌استخراج را در کل زنجیره سازمانی تسهیل می‌کنند (برسیانی ۲۰۱۸، دل‌گایریس و دلا پروتا ۲۰۱۶، فراریس ۲۰۱۹ و تیان ۲۰۱۷). "توانایی پیش‌بینی" در سیستم‌های تجزیه و تحلیل کلان-داده به ارزیابی میزان ارتباط متقابل بین اطلاعات می‌پردازد و شرکت را قادر می‌سازد تا تصمیمات آگاهانه بگیرد و به عملکرد برتری دست‌یابد (فراریس ۲۰۱۹). بنابراین نوآوری نقش مهمی دارد زیرا بر انتخاب‌های سازمان تأثیر می‌گذارد و نسبت به دیگر شرکت‌های مربوط اثر جانبی دارد (دل‌گایدایس ۲۰۱۹، سوتو ۲۰۲۰). این اثر زنجیره‌ای از انتقال دانش بر مشکلات مربوط به هزینه‌های بالای به‌روزرسانی فناوری‌ها غلبه می‌کند و دانش کارمندان در مورد مهارت‌های جدید فن‌آوری که شرکت از آن برای رقابت‌طلبی بیشتر استفاده می‌کند را افزایش می‌دهد (دل‌گایدایس

۲۰۱۹، آدن و هی ۲۰۱۷). پژوهش‌های متعددی تأثیر مثبت استفاده از IT یا کلان‌داده بر عملکرد را تأیید کرده‌اند که نشان می‌دهد استفاده از سیستم‌های نوآورانه و باز براساس به اشتراک‌گذاری و تبادل دانش چندرشته‌ای، قابلیت‌های راهبردی یکپارچه‌ای در بخش‌های سازمان ایجاد می‌کند (هاسینگ و اندرز ۲۰۱۹، سوتو ۲۰۱۷، سینگ و ال کاسار ۲۰۱۹، زیبا ۲۰۱۷).

به این طریق مقالات مربوط به سیستم مدیریت دانش تأثیر تکنولوژی‌های نوآورانه بر عملکرد سازمان را نشان می‌دهند: آن کارایی و کیفیت دانش در فرایندهای سازمان و سازمانی را بهبود می‌بخشد و تأیید می‌کند که استفاده ترکیبی از منابع انسانی و فن‌آوری یک مزیت رقابتی ایجاد می‌کند (فراریس ۲۰۱۷، لی ۲۰۲۰، شاجات ۲۰۱۹). از همه مهم‌تر مرور نظام‌مند مقالات پیشین نشان می‌دهد که در بازار جهانی کنونی، راهبردهای IoT در ترکیب با سیستم‌های مدیریت دانش، ابزاری برای توسعه مدل سازمان جدید تشکیل می‌دهند (کیل، آرنولد و ویوگت ۲۰۱۷)، که از تکنیک‌های نوآورانه به منظور توسعه اقتصادی پایدار نشأت می‌گیرند و میزان مسئولیت اجتماعی و شهرت شرکت را افزایش می‌دهند (کارابانیس ۲۰۱۷، نگی ۲۰۱۸، راوت ۲۰۱۹). الگوی نوآوری باز نشان می‌دهد که یک روش ذهنی کل‌نگر برای حاکمیت شرکتی، براساس روش همکاری بین منابع داخلی و خارجی برای ایجاد ارزش، بازتعریف مدل‌های سازمان را امکان‌پذیر می‌سازد، که در آن دانش توسعه افقی می‌یابد (فاراکان ۲۰۱۵). مشارکت همه کارکنان در محیط شرکتی دستیابی به مزیت رقابتی پایدار بلندمدت را محقق می‌سازد. به‌کارگیری نوآوری‌های دیجیتال مانند بلاک‌چین دارای مزایا و معایبی است. ویژگی‌های دگرگون‌کننده بلاک‌چین، ابتدا وارد بخش‌های مالی مانند رمزارزها شد و در نهایت بخش‌های غیرمالی را برانگیخت تا به سمت این «تغییرگر بازی» حرکت کنند (جانسون، ۲۰۱۸). مطالعات زیر کاربردهای فناوری بلاک‌چین در زمینه حل مسائل مختلف را معرفی می‌کنند: مدیریت مراقبت‌های بهداشتی (انگرا و همکاران ۲۰۱۷)؛ ویودی و همکاران ۲۰۱۹؛ جایارمن و همکاران ۲۰۱۹؛ متلر ۲۰۱۶؛ یوو و همکاران ۲۰۱۶؛ زانگ و همکاران ۲۰۱۸)، بخش انرژی (اهل و همکاران، ۲۰۲۰؛ آندونی و همکاران، ۲۰۱۹؛ برگر و همکاران، ۲۰۱۶؛ منگلکمپ و همکاران، ۲۰۱۸b)، دولت الکترونیک (هو، ۲۰۱۷؛ نوادکار و همکاران، ۲۰۱۸؛ اولنز و همکاران، ۲۰۱۷؛ پیلکینگتون و همکاران، ۲۰۱۷؛ سالیوان و برگر، ۲۰۱۹). با این حال، چالش‌هایی که ابزارهای مختلف اطلاعاتی مانند KMS ها در تلاش برای ادغام فناوری بلاک‌چین برای حمایت از پایداری مواجه می‌شوند، تقریباً حل نشده باقی می‌مانند.

یکی از نگرانی‌های پایداری فناوری بلاک‌چین میزان مصرف انرژی است. توان محاسباتی بالای مورد نیاز برای سیستم‌های اجماع مهم «اثبات کار» صدها مگاوات انرژی مصرف می‌کند (فیرلی ۲۰۱۷). مصرف انرژی بالا همچنین به معنی انتشار کربن بیشتر است. دفتر کل غیرمتمرکز همچنین به قدرت محاسباتی و منابع بالاتری جهت حفظ امنیت داده‌ها و ورودی‌های تکراری نیاز دارد که در نهایت منجر به مصرف انرژی بیشتر می‌شود. علاوه بر این، یک فناوری نوآورانه مانند بلاک‌چین شامل تغییرات نوآورانه برای یک شرکت در شیوه‌های فنی و غیرفنی از جمله اقدامات داخلی و خارجی است (کورپویت و همکاران ۲۰۱۹، روگویت و مهرپویا ۲۰۱۹) که توجه آن بسیار دشوار است.

با توجه به موارد ذکر شده و حتی با وجود وعده‌هایی که فناوری بلاک‌چین داده‌است، پذیرش آن کند بوده‌است. این موضوع در دیگر نوآوری‌های دیجیتال نیز صدق می‌کند.

#### ۶. نتیجه‌گیری، محدودیت‌ها و چشم‌انداز آینده تحقیق

این مطالعه به تجزیه و تحلیل ادبیات موجود در KMS، با هدف بررسی نقش آن در عصر تحول دیجیتال، به‌ویژه از نظر حاکمیت سازمانی می‌پردازد. نتایج نشان‌داد که ابزارهایی مانند IoT و کلان-داده‌ها و بلاک‌چین اقتصاد کنونی جهان را از طریق افزایش رقابت-پذیری شرکت‌ها، تضمین دسترسی به داده‌های بزرگ و اطلاعات پردازش شده از طریق نرم‌افزارهای قدرتمند، توسعه ظرفیت‌های همبستگی بین دانش مفید در بخش‌های مختلف شرکت، به‌طور قابل توجهی توانمند می‌کنند. (قیزی و کوالو، ۲۰۲۰؛ گوپتا و بوز، ۲۰۱۹؛ اندرس و هاسیگ، ۲۰۱۹؛ ناجی و همکاران، ۲۰۱۸؛ پاپاس و همکاران، ۲۰۱۸؛ راثوت و همکاران، ۲۰۱۹؛ تیان، ۲۰۱۷). علاوه بر این، دانش حداکثر پتانسیل خود را هنگامی نشان می‌دهد که توسط شرکت (یوسای، اسکاتو، مورای، فیانو و دزی، ۲۰۱۸) از طریق فرآیندهای اشتراک داخلی و خارجی، که دانش فنی شرکت را غنی می‌کنند، به‌طور مناسب بهره‌برداری شود (بوگرس و همکاران، ۲۰۱۸؛ هاوسیگ و اندرس، ۲۰۱۹؛ پاپاس و همکاران، ۲۰۱۸؛ راثوت و همکاران، ۲۰۱۹؛ سیله، ۲۰۱۷؛ شیا و همکاران، ۲۰۱۷).

هنوز فضای زیادی برای بحث در مورد نقش سیستم‌های مدیریت دانش در چهارچوب حاکمیت سازمانی و مدل‌های سازمان در جهت تکنولوژی‌های نوآورانه وجود دارد. یافته‌های ما نشان‌داد که کلان-داده‌ها تبدیل به نیازی برای مدیریت شده‌است، زیرا تجزیه و تحلیل اولویت‌های کاربر و روند هزینه‌ها و پیش‌بینی بازار آینده را

امکان‌پذیر می‌سازد (فرانکلین، سرادیا، سیمارد و رگان ۲۰۱۷). به بیان دقیق‌تر، تحول فناورانه و ابزارهای آن راه‌حل راهبردی، ترکیبی فراهم می‌سازد که عملیات حاکمیت سازمانی را هدایت می‌کند. در این موقعیت سیستم مدیریت دانش نقشی مهم در اطمینان از بهینه‌سازی فن‌آوری‌ها و منابع، توسعه راهبردهای به اشتراک‌گذاری دانش در دسترس کارمندان شرکت و حمایت از مدیران در فرایند تصمیم‌گیری آن‌ها ایفا می‌کند. همزمان، ابزارهای نوآوری اتخاذ شده در سیستم مدیریت دانش، بهینه‌سازی فرایندها را امکان‌پذیر می‌سازد و شرکت را به سمت مدل‌های سازمان پایدار در دستیابی به عملکرد بهتر هدایت می‌کنند. مشخصه این مدل‌های سازمانی پلتفرم‌های باز است، که متمایل به تبادل رایگان اخبار و تخصیص دانش با بهره‌برداری از پتانسیل شرکت است. شرکت‌ها با استفاده از راهبردهای نوآورانه می‌توانند از رفتارهای پایدارتری که مسئولیت اجتماعی شرکت را افزایش می‌دهند و رابطه شرکت با ذی‌نفعان را بهبود می‌بخشند، حمایت کنند. ذی‌نفعان نسبت به سود اقتصادی و رفاه اجتماعی حساس هستند و با استفاده از ابزارهای نوآورانه در سنجش تأثیر زیست‌محیطی فعالیت‌های شرکت، ایجاد ارزش بلندمدت را امکان‌پذیر می‌سازند. بنابراین توسعه فرهنگ باز نوآوری می‌تواند استفاده از سیستم مدیریت دانش برای پشتیبانی از راهبردهای حاکمیتی، تمایل به انواع جدیدی از تجارت‌های پایدار در طی زمان را افزایش دهد. اگر نوآوری منجر به ایجاد مدل‌های سازمان پایدار و بادوام نشود (مدلی که قادر به سازگاری با شرایط متغیر بازار و نیازهای ذی‌نفعان باشند) خود به یک هدف تبدیل می‌شود. در واقع دسترسی به سیستم‌های تکنولوژی‌های نوآورانه پیشرفته نیاز به سرمایه‌گذاری قابل توجه شرکت‌هایی دارد که خود را در معرض هزینه‌های بالا و ریسک‌های متعدد در سرمایه‌گذاری استفاده شده قرار می‌دهند. بنابراین استفاده از عوامل انگیزشی و پشتیبانی از ارزیابی شرکت‌ها و جهان تولیدی برای حمایت از توسعه و به اشتراک‌گذاری دانش جدید برای خدمات جدید و بی‌نقص ساختن خدمات موجود با هدف دستیابی به اقتصاد پایدار و جامع مطلوب خواهد بود. این پژوهش محدودیت‌های تجزیه و تحلیل نظری را نشان می‌دهد؛ همچنین تحلیل‌ها باید توسعه‌یابند تا آزمایش‌های تجربی در مورد رفتار شرکت برای درک تأثیر بالقوه سیستم مدیریت دانش از طریق تکنولوژی‌های نوآورانه، صورت‌گیرد تا یک مدل سازمان پایداری‌گرا و مزیت رقابتی پایدار فراهم شود.

#### منابع

[22] Yain, M., & Shaeng, L. (2019). Corporate governance, innovation input and corporate performance.

[23] Thoemas, M. (2020). On how big data revolutionizes knowledge management. In Digital Transformation .

[24] Mohammad Nazarpour & Navid Nezafati & Sajjad Shokouhyar.(2023).Using the Modified Colonial Competition Algorithm to Increase the Speed and Accuracy of the Intelligent Intrusion Detection System, Intelligent Multimedia Processing and Communication Systems (IMPCS). [Persian]

[25] MohammadJavad Zand,, Mohammad Tahghighi Sharabyan.(2020). Improvement of IOT Security in ZigBee Network Using AES256 Algorithm, Intelligent Multimedia Processing and Communication Systems (IMPCS), [Persian]

**ضمائم**

**جدول ۱: جمع آوری داده‌ها و طبقه‌بندی**

سال	منبع	مجله	نوع مقاله	موضوع فرعی	روش شناسی
2000	Schumpeter, J. A.	Entrepreneurship: The social science view	ARTICLE	نظری کارآفرینی، مدل کسب و کار، کان	مطالعه کیفی
2008	Hartono, S. J.	R&D Management	ARTICLE	نظری، مدیریت، مدل کسب و کار، عملکرد	مطالعه‌مطالعه کیفی
2014	Del Giudice, M., Maggioni, V., Jimenez-Jimenez, D., Martinez-Costa, M., & Sainza-Vally, R. Ferrerretto, G., & Maneghini, V.	Journal of Knowledge Management: Technological Forecasting and Social Change	ARTICLE	KMS، مدل کسب و کار، نظری، عملکرد	مطالعه کیفی
2015	Bianchi-Fregoso, R., & Ochoa, R.	2015 IEEE 17th Conference on Business Information Systems	ARTICLE	نظری، مدل کسب و کار	مطالعه کیفی
2016	Del Giudice, M., & Della Peruta, M. R.	Journal of Knowledge Management	ARTICLE	نظری، KMS، عملکرد	مطالعه کیفی
2017	Oliva, J. F. L., Guzmán, J. G., Calzadilla-Palacios, R., & Stauchler, V. Caporaso, E. G., Cigamandis, E., Del Giudice, M., Della Peruta, M. R., & Sistiak, S. Intarasi, A., & Grimal, S.	Journal of Knowledge Management	ARTICLE	نظری، استراتژی، کان، داده، عملکرد	مطالعه کیفی
	Pruden, D. J., & Wang, W. Y.	Journal of Knowledge Management	ARTICLE	KMS، مدل کسب و کار، کان، داده، عملکرد	مطالعه کیفی
	Randhawa, K., Jusemod, E., Schweitzer, J., & Lopez, D.	Journal of Knowledge Management	ARTICLE	KMS، مدل کسب و کار، کان، داده	مطالعه کیفی
	Rothberg, H. N., & Erickson, G. S.	Journal of Knowledge Management	ARTICLE	نظری، ICT، مدل کسب و کار، نظری	مطالعه کیفی
	Scoutto, V., Santoro, G., Benciani, S., & Del Giudice, M.	Journal of Cleaner Production	ARTICLE	نظری، ICT، مدل کسب و کار، عملکرد	مطالعه کیفی
	Sieck, P. Tim, S.	Journal of Knowledge Management	ARTICLE	نظری، داده‌ی مدل کسب و کار، نظری	مطالعه کیفی
	Tranquopolo, K., von Knigh, G., Wallis, M. W., & Woerner, M.	MIS Quarterly	ARTICLE	نظری، مدل کسب و کار	مطالعه کیفی
	Uden, L., & Ho, W.	Journal of Knowledge Management	ARTICLE	KMS، مدل کسب و کار، نظری، عملکرد	مطالعه کیفی
	Xia, D., Yu, Q., Guo, Q., & Cheng, G.	Journal of Cleaner Production	ARTICLE	داده‌ی، نظری، مدل کسب و کار، عملکرد	مطالعه کیفی

سال	منبع	مجله	نوع مقاله	موضوع فرعی	روش شناسی
		Storage System Journal of Sustainability	ARTICLE	نظری، باز-مدل کسب و کار، KMS	مطالعه کیفی
	Sevastian, M., Atzeniela, C., Bellini, F., & D'Aaceno, R.	Business Process Management Journal	ARTICLE	نظری، تحول دیجیتال، مدل کسب و کار	مطالعه کیفی
	Scoutto, V., Arigoi, E., Candelo, E., & Nicotra, M.	Journal of World Business	ARTICLE	داده، تحول دیجیتال، مدل کسب و کار	مطالعه کیفی
	Scoutto, V., Del Giudice, M., Tarbo, S., Petruzzelli, A., & Chang, V.	Journal of Cleaner Production	ARTICLE	نظری، مدل کسب و کار، توسعه	مطالعه کیفی
	Singh, S. K., & Ed Kasser, A. N. Werner, K. S., & Wiiger, M.	Journal of Knowledge Management	ARTICLE	نظری، مدل کسب و کار، عملکرد	مطالعه کیفی
2020	Gil-Gomez, H., Guareda-Naveiro, V., Oltra-Staden, R., & Lozano-Quilis, J. A. Ghirelli, A., & Corallo, A.	Economic Research Journal of Business Research	ARTICLE	نظری، مدل کسب و کار، تحول دیجیتال، کارآفرینی، مدل کسب و کار، کان، داده	مطالعه کیفی
2018	Bogers, M., Chesbrough, H., & Mariani, C. Bemer, B.	California Management Review Sustainability	ARTICLE	نظری، باز-مدل کسب و کار، کان، داده	مطالعه کیفی
	Benciani, S., Ferraris, A., & Del Giudice, M.	Technological Forecasting and Social Change	ARTICLE	نظری، تحول دیجیتال، مدل کسب و کار، عملکرد	مطالعه کیفی
	Ferraris, A., Mazzeoni, A., Devale, A., & Cauter, J.	Journal of Knowledge Management	ARTICLE	KMS، عملکرد، نظری	مطالعه کیفی
	Rivson, I., Thalmann, S., Maubart, M., & Sillaber, C.	Knowledge Management Research & Practice	ARTICLE	نظری، KMS، عملکرد	مطالعه کیفی
	Konlechner, S., Müller, S., & Götzl, W. H.	International Journal of Technology Management Sustainability	ARTICLE	نظری، تحول دیجیتال، مدل کسب و کار، KMS	مطالعه کیفی
	Lin, F., Lin, S. W., & Lu, W. M.	Sustainability	ARTICLE	نظری، تحول دیجیتال، مدل کسب و کار، کان، داده	مطالعه کیفی
	Nagy, J., Oláh, J., Erdéi, E., Mátyás, D., & Popp, J.	Information Systems and Business Management	ARTICLE	کان، داده، نظری، عملکرد	مطالعه کیفی
	Pappas, I. O., Mikell, P., Giannakou, M. N., Krogstad, J., & Lekakou, G.	British Journal of Management	ARTICLE	KMS، نظری، کان، داده	مطالعه کیفی
	Soto-Acosta, R., Del Giudice, M., & Scoutto, V. Usal, A., Scoutto, V., Murray, A., Flato, F., & Dell, L.	Journal of Knowledge Management	ARTICLE	نظری، کارآفرینی، KMS	مطالعه کیفی
2019	Amminato, S., Soto, F., Felici, A. M., & Raso, C.	European Journal of Innovation Management	ARTICLE	نظری، مدل کسب و کار، کان، داده	مطالعه کیفی
	Del Giudice, M., Garcia-Perez, A., Scoutto, V., & Orlando, B.	Technological Forecasting and Social Change	ARTICLE	نظری، تحول دیجیتال، کارآفرینی، KMS	مطالعه کیفی
	Del Giudice, M., Scoutto, V., Garcia-Perez, A., & Petruzzelli, A. M.	Technological Forecasting and Social Change	ARTICLE	نظری، تحول دیجیتال، کارآفرینی، عملکرد	مطالعه کیفی
	Ed Kasser, A. N., & Singh, S. K.	Technological Forecasting and Social Change	ARTICLE	نظری، تحول دیجیتال، مدل کسب و کار، نظری	مطالعه کیفی
	Gupta, G., & Bose, I.	European Journal of Innovation Management	ARTICLE	نظری، تحول دیجیتال، مدل کسب و کار، نظری	مطالعه کیفی
	Honeig, S., & Endres, H.	European Journal of Innovation Management	ARTICLE	نظری، تحول دیجیتال، مدل کسب و کار، نظری	مطالعه کیفی
	Kamble, S. S., Gunasekaran, A., & Gunasekaran, S. A.	International Journal of Production Economics	ARTICLE	نظری، داده، تحول دیجیتال، مدل کسب و کار، کان، داده	مطالعه کیفی
	Rani, R. D., Manjula, S. K., Narwan, V. S., Garuda, B. B., Prityadharini, P., & Nuthube, B. E. Santoro, G., Ferraris, A., & Benciani, S.	Journal of Cleaner Production	ARTICLE	نظری، داده، تحول دیجیتال، مدل کسب و کار، کان، داده	مطالعه کیفی

(continued on next page)

[1] Abubaakar, Alastailat, M. A., & Elçci, A. (2019). Knowledge management.

Adamms, B. (2019). Knowledge management systems and developing sustainable competitive advantage.

[2] Aleexy, O, A.s J. (2016). Toward an aspiration-level theory of open innovation

[3] Ammiraato, C. (2019). A methodology to support the adoption of IoT innovation and its application to the Italian bank branch security context.

[4] Arfii, W. B., & Hikkeerova, L. (2019). Corporate entrepreneurship, pproduct innovation, and knowledge conversion.

[5] Aria, Mm., & Cuccuruullo, C. (2017). Bibliometrix: An R-tool for comprehensive science mapping annalysis.

[6] Baghrzadeh, M., Maarkovic, S., Cheeng, J., & Vaanhaverbeke, W. (2019). How does outside-in open innovation influence innovation performance?

[7] Boogers, M., Chesbrough, Hh., & Mooedas, C. (2018). Open innovatidsson: Research, practices, and policies.

[8] Brenrsner, B. (2018). Transformative sustainable business models in the light of the digital imperative.

[9] Brscsciani, S. (2010). Innovdation within firms: A survey in the Piedmont area.

[10] Bressciani, S., Ferrardis, A., & Del Gsiudice, M. (2018). The management of organizational ambidexterity through alliances in a new context of analysis.

[11] Daid, H. N., Wansd, H., Xu, G., Wsan, J., & Imsran, Mm. (2019). Big data analytics for manufacturing internet of things.

[12] Dele Giudxice, M., Garcia-Perez, A., Scucotto, V., & Orlacndo, B. (2019). Are social enterprises technological innovative?

[13] Ell-Kaassar, A. N., & Sisng, S. K. (2019). Green innovation and oxrganizational performance.

[14] Gheezzi, A., & Caxvallo, A. (2020). Agile business model innovation in digital entrepreneurship.

[15] Giil-Gosmez, H., Guerdola-Navacro, V., Oltra-Badenes, R., & Lozano-Quilis, J. A. (2020). Customer relationship management.

[16] Gupsta, Gg., & Bdose, I. (2019). Strategic learning for digixtal market pioneering: Examining the transformation of Wishberry's crowdfunding model.

[17] Huesfcig, S., & Endfdres, H. (2019). Explcoring the digital innovation process.

[18] Kamblee, S. S., Gunffasekaran, A., & Gawaankar, S. A. (2020). Achieving sustainable performance in a data-driven agriculture supply chain.

[19] Leae, O. K. D., Chaoi, B., & Leae, H. (2020). How do knowledge management resources and capabilities pay off in short term and long term?

[20] Scautotto, V., Orlanado, B., Cilalo, V., Nicoatra, M., Di Gioaia, L., & Briamoante, M. F. (2020). Uncovering the micro-foundations of knowledge sharing in open innovation partnerships.

[21] Waraner, K. S., & Wa'ager, M. (2019). Building dynamic capabilities for digital transfaormation: An ongoing process of strategic renewal.